



نقش حضرت زهرا(س) در مبارزه با جدایی قرآن و عترت

آیا از قرآن رو برتافتید؟ و برخلاف آن حکم کردید؟ آن حکومتی که برخلاف قرآن باشد و آن کس که جز اسلام به قانون دگری بگردد زبان خواهد دید. به خدا قسم این تجاوز و خیانت شما سرانجام وخیمی خواهد داشت.

آیا از قرآن رو برتافتید؟ و برخلاف آن حکم کردید؟ آن حکومتی که برخلاف قرآن باشد و آن کس که جز اسلام به قانون دگری بگردد زبان خواهد دید. به خدا قسم این تجاوز و خیانت شما سرانجام وخیمی خواهد داشت.

به گزارش خبرنگار مهر، ابرمرد دادگر، راز ناشناخته جهان هستی، مولی الموحدين امام همام علی اعلی(ع)، پرورش یافته مکتب توحید، با حصول شرایط به خواستگاری فاطمه زهرا(سلام الله علیها) نزد پیامبر(ص) می رود و علی(ع) قبل از اینکه پرده آرم و حیا را پاره کند و لب به سخن بگشاید، رسول خدا(ص) نزول جبرئیل امین را قبل از ورود ایشان و بشارت تزویج «علی و فاطمه» را در آسمانها به گوش آن حضرت می رساند و علی(ع) زره خویش را به دستور پیامبر(ص) می فروشد و هزینه عروسی را تهیه و پس از جشن و سرور، عروس نور به خانه علی(ع) رهسپار می شود و اولین کانون عصمت و طهارت شکل می گیرد. اعضای این خانواده هر دو معصوم و در خانه وحی و مهبط ملائک پرورش یافته اند.

از آغازین روز زندگانی زناشویی بی آلایش و آموزنده، کار در خانه تقسیم می شود. امور داخلی منزل به عهده زهرا(علیها السلام) است. آنقدر این بانوی فداکار در داخل خانه زحمت می کشد که علی(علیه السلام) او را می ستاید. در این زمان جنگهای صدر اسلام یکی پس از دیگری واقع می شد و امام علی(علیهم السلام) سپهسالار ارتش اسلام بود. همسویی فاطمه(س) پشتوانه محکمی برای شمشیر علی(ع) به شمار می رفت.

امام(ع) در این باره می فرماید: «وقتی به خانه می آمدم و زهرا را می دیدم. تمام غصه هایم برطرف می شد، فاطمه هرگز مرا خشمناک ننمود.» و بهترین زنان، از نظر این بانوی بزرگ، کسانی هستند که ملازم امور داخل منزل بوده و در ایفای نقش شوهرداری و پرورش فرزندان به روشی نیکو ظاهر گردند و پشتوانه محکمی برای اخلاق، اقتصاد، تربیت و کانون مهر خانواده باشند، زیرا او می دانست نیک شوهرداری کردن همانند جهاد است. در نظر او پرداختن به امور خانه و تربیت فرزندان اهمیت شایانی داشت. از این رو کمال سعی خویش را در پرورش نوباوگان خود مبذول می دارد.

او حسین(ع) را تحویل جامعه می دهد که عاشورای خونین را با سرخترین حماسه های ایثار و آزادگان و ... در راه عشق به محبوب، از خود به نمایش گذارده و دین جدش را قوام می بخشد. او درس محبت، عشق و ایمان و حریت را به کودکان خود می آموزد و امام حسین(علیه السلام) در نهضت مقدس خود به این مورد اشاره می کند: «دامان پاک مادرم به من اجازه تسلیم و بیعت را در برابر ناپاکان نمی دهد.» او زینب را در دبستان پریصلابت خود آموزش می دهد و مظهر صبر و استقامت و اسوه تهجد و تقوایش می گردانند. همراه حسینش به کربلا اعزام می دارد و وظیفه او را ترسیم می کند و این شاگرد فرهیخته چه نیکو به تعلیمات و وصایای مادر جامه عمل می پوشاند.

علاوه بر این نقشهای اساسی که فاطمه(علیها سلام) به عهده دارد، در برخورد با جدایی قرآن و عترت، پس از رحلت جانشوز پدر و جریان سقیفه، وصایای پیامبر و حدیث شریف «ثقلین» و جریان غدیر خم را مطرح می کند و رسماً با بدعتهای ناروا، حاکمیت یافتن اسلام بنی امیه پسند و تفسیر به رای آیات الهی و دیگر اقدامات راهنما برای آیندگان که از این رد پاها بتوانند به جعل احادیث، سب اهل بیت، تحریف اسلام و محو نام پیامبر و ... موفق گردند، مخالفت نموده و مجدانه و علنی وارد صحنه مبارزه می شود تا مردم را از بی تفاوتی و سستی برهاند و آنان در اندیشه عمل به نصایح و وصایای موکد پیامبرشان، غور و غوص نمایند و برای رسیدن به مقام فوز و فلاح، به کتاب خدا و عترت پیامبر(ص) تمسک بجویند و از غرق شدن در دریای تحیر و ضلالت خود را صیانت بخشند.

خطبه می خواند و ضمن آن می فرماید: «... خداوند پیامبرش را از دنیا به جهان آخرت بُرد و به دیگر پیامبران ملحق فرمود. در این هنگام آن دشمنی را که سالیان دراز در خاطر خود پنهان داشتید آشکار نمودید و حجاب حشمت دین بر شما کهنه و فرسوده شد... شیطان از کمینگاه خود شما را ندا داد و دعوت او را اجابت نمودید و به فریبهای وی فریفته شدید و به تحرک وی جنبیدید و پای از گلیم خود فراتر نهادید و به مقام امامت طمع ورزید. در صورتی که در غدیر عهد بستید... ای وای چه شد شما را؟ به کجا می تازید؟ و به کجا می روید؟ کتاب خدا را پشت سر انداختید در حالی که احکامش روشن و قانون هایش آشکار است. با قرآن کریم مخالفت کردید و برنامه تدوینی خدا را پشت سر گذاشتید.

آیا از قرآن رو برتافتید؟ و برخلاف آن حکم کردید؟ آن حکومتی که برخلاف قرآن باشد و آن کس که جز اسلام به قانون دگری بگردد زبان خواهد دید، آنقدر صبر نکردید تا مراسم عزاداری پیامبر(ص) خاتمه پذیرد. آتش فتنه را دامن زدید و شرار فساد برافروختید و بر خاموشی نور دین اسلام کوشیدید... آیا به جاهلیت برگشتید؟ ... ای مردمی که دنبال هر صدای باطل می روید و از هر جنایتی که به زیان خود مشاهده کنید چشم می پوشید آیا در آیات قرآن اندیشه نکردید؟ ... به خدا قسم این تجاوز و خیانت شما سرانجام وخیمی خواهد داشت.»

دستگاه حاکم را به کردار زشتشان نکوهش می کند مردم را تذکر می دهد و با اشک خود راه مبارزه را هموار می سازد و خانواده

ها را کانون انقلاب علیه حکومت می کند و در روزهای واپسین در بستر بیماری که علی را در بالین خود دارد می گیرد. می فرماید: «من خوشم از اینکه از این همه درد و رنج آزاد می شوم و به نعمتهای الهی می رسم ولی نگرانم از اینکه تو مظلوم را در میان دریای دشمن تنها می گذارم.»

و سفارش نهایی را که برخاسته از اندیشه ژرف و خدایی اش بود به شوی جوانمردش نمود و ننگ جاویدان را بر نیرنگ بازان غاصب روزگار و مسلمان نمایان مشرک رقم زد و رخسار ملکوتی اش را از ثری به ثریا کشید.

سلام و درود بیکران خدا و پیروانت بر تو ای شاهدخت شریعت و بزرگ بانوی اسلام.*

*نویسنده: دکتر احمدعلی افتخاری، استاد دانشگاه